

نقش بلا در زندگی مؤمن

حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمدرضی آصف آگاه*

مقدمه

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَ الصَّابِرِينَ وَ نَبْلُوَنَّكُمْ أَعْبَارَكُمْ»^۱ شما را مبتلا می‌کنیم تا مجاهدان و صابران شما را بازشناسیم و اخبار شما را ارزیابی کنیم». امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «عِنْدَ تَعَاقِبِ الشَّدَائِدِ تَظْهَرُ فَضَائِلُ الْإِنْسَانِ»^۲ فضایل انسان در سختی‌های پیاپی آشکار می‌گردد».

در آیه و روایت یاد شده بر نزول بلا و آزمایش تکیه شده است، حال سؤال آن است که فلسفه بلا برای مؤمن چیست و چرا مؤمنان دچار بلا می‌شوند، و حال این که خدا مؤمن را دوست دارد و مؤمن باید مورد رحمت خداوند باشد؟ در این مقاله سعی شده پاسخ‌ها با توجه به روایات متعددی که کلینی در کافی باب شدت ابتلای مؤمن آورده تنظیم شود.

* پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و از مبلغان نخبه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۱. محمد، آیه ۳۱.

۲. لینی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ص ۳۳۸.

همچنین برآنیم تا توضیح دهیم که هرچند بلا برای کافران و فاسقان برآمده از غضب خدا است، اما بلا، جلوه رحمت و محبت الهی به مؤمنان است؛ زیرا بلا برای مؤمن در دنیا و آخرت فواید زیادی دارد که بدان‌ها اشاره خواهد شد. نوشتار پیش‌رو در محورهای زیر سامان یافته است:

بلا، شکل‌دهنده زندگی مؤمن

بحث را با داستان شروع می‌کنیم، داستانی که به روشنی جایگاه بلا در زندگی مؤمن را بیان می‌کند. آهنگری بود که دوران آغازین زندگی‌اش را نه‌چندان مناسب گذرانده بود اما پس از مدتی تصمیم گرفت «با خدا باشد» مردم تغییر مسیر زندگی‌اش را دیدند و فکر می‌کردند زندگی‌اش از نظر مادی تغییر کرده و آسایش می‌یابد. اما در نگاه ظاهری بین مردم، زندگی او بدتر می‌شد.

یک روز، دوست قدیمی‌اش به دیدنش آمد و گفت: عجیب است از زمانی که تصمیم گرفتی با خدا شوی زندگی ات بدتر شد، نمی‌خواهم دلت را خالی و ایمانت را ضعیف کنم، اما چرا با تمام سختی‌هایی که در مسیر خدایی شدن و معنویت کشیدی، زندگی‌ت خوب نشد؟! آهنگر سر به زیر انداخت و مشغول کار شد، ابتدا دوستش نفهمید که پاسخ آهنگر در سکوت اوست اما وقتی به کارهای او دقت کرد جوابش را گرفت که:

سفرش می‌گیرم تا ابزار بسازم، من هم قطعه‌ای فولاد را انتخاب می‌کنم، ابتدا آن را حرارت می‌دهم تا سرخ شود، وقتی کاملاً آتش دید پتک را برداشته بر سر او می‌کوبم تا به آن شکل مناسب دهم. پس از آن که پتک‌های مدام بر او فرود آوردم آن را در تشت آب سرد فرو می‌برم، صدای جَرّ و فلز فولاد بلند می‌شود و بخار تمام کارگاه را پر می‌کند. اما به یک‌بار، فولاد شکل نمی‌گیرد. این عمل را بارها تکرار می‌کنم تا ابزار مورد نظرم را از فولاد سخت بسازم. گاهی فولاد تاب این حرارت، ضربات پتک و سردی آب را ندارد و ترک می‌خورد، می‌دانم که این فولاد خوبی نیست و آن را در زباله کارگاه می‌اندازم.

جریان زندگی من هم مانند این فولاد است. من آمده‌ام در کارگاه دنیا تا حرارت سختی‌ها را بینم، ضربات رنج‌ها و مرارت‌ها را احساس کنم، سردی بی‌محبتی‌ها و ظلم‌ها را بچشم، سرخ شوم، ناله کنم و صدایم بلند شود. اما برای این که آبدیده شوم، تمام این رنج‌ها را به جان می‌خورم و بلاها را تحمل می‌کنم و تنها یک دعا به درگاه خدا دارم «خدایا هرگونه صلاح می‌دانی با من رفتار کن ولی از آن چه برای من خواسته‌ای صرف نظر نکن تا شکلی که تو می‌پسندی به خودگیرم، با

هر روشی که می‌پسندی ادامه بده، هر بلایی که لازم می‌دانی بر سرم بیاور و تا هر زمانی که می‌خواهی ادامه بده، اما هرگز مرا به زباله دان نریز و دست از شکل دهی من برندار».

مؤمن تنها در این اندیشه است که به شکلی که خدا می‌پسندد درآید و زندگیش بدان شکل بچرخد؛ از این رو بلاها را به جان می‌خرد تا شکلی الهی بیابد. «عَبْدِي أُطِئْنِي حَتَّى أَجْعَلَكَ مِثْلِي»^۱ بنده‌ام اطاعت کن تا تو را مثل خودم بگردانم.» فلز وجود ما خام است و نیاز به تغییر شکل دارد. این فلز می‌تواند شکل دنیایی و شیطانی بگیرد و می‌توان شکل خدایی و آخرتی بگیرد. مؤمن در پی آن است که وجودش را دست خدا بسپارد تا خدا هر گونه صلاح می‌داند با این وجود رفتار کند و خدایی گردد. لاجرم خدایی شدن همراه سختی‌ها، بلاها و مصائب است و مؤمن این بلاها را لازمه خدایی شدن می‌داند؛ بنابراین از آن استقبال می‌کند و هر لحظه دعا می‌کند که خدایا کمک کن تا بتوانم حرارت مصیبت‌ها و سختی بلاها را تحمل کنم و بدین سبب خدایی گردم، اما غیر مؤمن بلاها را پلکان رشد خود نمی‌داند و آن را مزاحم پیشرفت مادی خود می‌بیند و بدین جهت از آن فرار می‌کند و نمی‌تواند شکل خدایی بگیرد.

نتیجه آنکه: رسالت بلاها در زندگی مؤمن، شکل دهی الهی به وجود و زندگی اوست. آری اگر شخصی نتواند بلاهای الهی را تحمل کند، شکل خدایی نمی‌یابد. چنین انسانی از نظر الهی، بی‌فایده است.

نقش بلا، در اصلاح مؤمن

در یک تقسیم کلی می‌توان بلاهایی که در زندگی ما دیده می‌شود را به چند نوع تقسیم کرد:

۱. **بلا کیفری و عقوبتی:** گاهی بلا به واسطه اعمال ناپسندی که انسان انجام می‌دهد بر او نازل می‌شود، چنین بلایی عکس‌العمل و پژواک افعال نادرست شخص است. این دسته از بلاها بیش‌تر بر غیر مؤمنان نازل می‌شود.
۲. **بلا پاداشی و مثبتی:** دسته‌ای از بلاها برای پاداش‌دهی می‌باشد. در روایات متعدد تصریح شده که بلاهایی که بر مؤمن نازل می‌شود به خاطر رساندن پاداش‌های الهی بر مؤمن است؛^۲ پس بیش‌تر بلاهایی که بر مؤمن نازل می‌شود از این دسته‌اند.

۱. حر عاملی، الجواهر السنیه، ص ۳۶۱.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۷۷-۲۸۳.

۳. بلای ترفیعی و درجه‌ای: این نوع از بلاها، بلای ویژه نازل بر مؤمنان خاص و پیامبران است. افراد معمولی قابلیت دریافت این دسته از بلاها را ندارند. انسان‌ها با رسیدن به مرحله ایمان، صلاحیت دریافت بلای مثبتی می‌یابند و با ارتقای ایمان، قابلیت دریافت بلای والاتر را می‌یابند تا درجه ایمانی خود را تعالی بخشند. (بلای نازل بر مؤمنان خاص)

در روایتی بلا به روشنی به این سه قسم تقسیم شده است. علی علیه السلام فرمود: «**إِنَّ الْبَلَاءَ لِلظَّالِمِ أَدَبٌ وَ لِلْمُؤْمِنِ امْتِحَانٌ وَ لِلْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةٌ وَ لِلْأَوْلِيَاءِ كَرَامَةٌ**؛ بلا برای ستمگر ادب و مجازات و تنبیه است؛ و برای مؤمن آزمون و برای پیامبران درجه و مرتبت و برای اولیا کرامت است.» آنچه باعث تفاوت در دریافت بلا می‌شود ظرفیت معنوی افراد است. هر چه ظرفیت ایمانی افراد بالا رود، بلای ویژه‌تری دریافت می‌کند.

بلا، آزمایش و امتحان خدا

برخی می‌پرسند چرا در زندگی باید بلا نازل شود، چرا در زندگی ما پی‌درپی بلا نازل می‌شود. مگر خدا انسان‌ها را دوست ندارد؟ لازمه رحمت و مهربانی خدا نسبت به بندگانش آن است که زندگی آنان با کمال رفاه و آسایش سپری شود.

بهترین راه برای پاسخ به این دست از سؤالات تأمل در جهان‌بینی اسلامی است. نوع نگرش اسلام به زندگی دنیوی و اخروی بسیار متفاوت با نگاه دنیای امروز است. از منظر اسلام، دنیا مزرعه آخرت^۱ و محل توشه‌گیری است، نه آن‌که جای رفاه و آسایش باشد. در حقیقت آسایش مؤمن در آخرت است. علی علیه السلام می‌فرماید: «**أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَجْعَلِ الدُّنْيَا ثَوَابًا لِلْمُؤْمِنِ وَلَا عِقَابًا لِلْكَافِرِ**؛^۲ خدا دنیا را ثواب برای مؤمن و کیفر برای کافر قرار نداده است.»

با توجه به این جهان‌بینی به راحتی می‌توان حکمت نزول بلا در زندگی دنیا را درک کرد و می‌توان گفت مهم‌ترین حکمت بلا در زندگی مؤمن، امتحان و آزمایش الهی است. انسان به دنیا آمد تا امتحان بندگی دهد، یکی از بالاترین جلوه‌های امتحان، استقامت در برابر بلاها است. از این رو، هر چه ایمان بالاتر رود بلای بیشتری بر فرد نازل می‌شود؛ زیرا با هر درجه ایمان، بلایی لازم

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۳۵.

۲. ابن ابی‌جمهور احسائی، عوالی الثالی، ج ۱، ص ۲۶۷.

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۵۹، ح ۲۹.

است تا نردبان صعود به درجه بالاتر ایمان شود. امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «لَا تَفْرَحُ بِالْغِنَاءِ وَالرِّخَاءِ وَلَا تَعْتَمُّ بِالْفَقْرِ وَالْبَلَاءِ فَإِنَّ الدَّهَبَ يُجَرَّبُ بِالنَّارِ وَالْمُؤْمِنَ يُجَرَّبُ بِالْبَلَاءِ»^۱ به سبب ثروت و آسودگی، خوشحال مباش و به دلیل فقر و بلا غمگین نشو؛ چون طلا با آتش و مؤمن با بلا، آزموده و خالص می شود.»

بلا، سنجش ایمان

ایمان دارای سنجه‌های مختلفی است. یکی از سنجه‌هایی که روایات بر آن تأکید کرده‌اند بلا است. در روایتی امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ بِمَنْزِلَةِ كَفَّةِ الْمِيزَانِ، كُلَّمَا زِيدَ فِي إِيْمَانِهِ زِيدَ فِي بَلَائِهِ»^۲ مؤمن به منزله کفه ترازو است هر اندازه بر ایمان او افزوده شود بلائی او افزایش می‌یابد.» بر اساس این روایت، ایمان میزان سنجش بلاست، از این رو با بلا افزایش می‌یابد. هر مؤمنی نیازمند بلا است؛ زیرا با بلا است که ایمان مؤمن سنجیده می‌شود و با بلا است که ایمان او ارتقا می‌یابد.

تناسب بلا با درجه ایمان و کیفیت عمل

در چند روایت تصریح شده که بلا متناسب با ظرفیت ایمانی افراد نازل می‌شود. از آن جا که انبیا در قله ایمان قرار گرفته‌اند نزول بلا بر آنان بیش تر و شدت بلا و مصیبت بر آنان افزون تر است. در روایت صحیح وارد شده است: «أَشَدُّ النَّاسِ بَلَاءً الْإِنْبِيَاءُ ثُمَّ الَّذِينَ يُلَوْنَهُمْ ثُمَّ الْأَمْثَلِ»^۳ فالأَمْثَلُ؛^۴ انبیا شدیدترین بلاها را دریافت می‌کنند سپس سایر مردم بر اساس مرتبه ایمانی که دارند.» در روایت صحیح دیگر میزان شدت بلا بر انبیا و مؤمنان را این گونه ترسیم می‌کند: «يُتْلَى الْمُؤْمِنُ بَعْدَ عَلَى قَدْرِ إِيْمَانِهِ وَحُسْنِ أَعْمَالِهِ»^۵ یا «عَلَى قَدْرِ دِينِهِ»^۶. و یا «فَمَنْ صَحَّ إِيْمَانُهُ وَحَسَنَ عَمَلُهُ إِشْتَدَّ بَلَاؤُهُ وَ مَنْ سَخَفَ إِيْمَانَهُ وَ ضَعَفَ عَمَلُهُ قَلَّ بَلَاؤُهُ»^۶ هر کس ایمان

۱. لیلی واسطی، علی، عیون الحکم والمواعظ، ص ۵۲۰.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۵۲، ح ۱۰.

۳. همان ص ۲۷۷، ح ۱.

۴. همان، ح ۲.

۵. همان، ح ۹.

۶. همان، ح ۲.

و عمل نیکوتر داشته باشد نزول بلا بر او شدیدتر است و هر کس ایمان ضعیف‌تر داشته باشد بلای کمتری بر او نازل می‌شود.

بلا، جلوه محبت الهی

تصور عمومی آن است که بلا، غضب خدا بر مردم می‌باشد. اما حقیقت آن است که بلا دو جلوه دارد: بلایی که جلوه خشم الهی است، این دسته از بلاها بر کافران و فاسقان و کسانی که دستورات الهی را تمکین نکرده‌اند، نازل می‌شود. اما بلایی که بر مؤمنان نازل می‌شود جلوه رحمت خداست. سؤال آن است که چگونه بلا می‌تواند جلوه رحمت خدا و صادر از اسم رحیم او باشد؟

خدا دو گونه رحمت دارد:

۱- رحمت عمومی؛ که شامل همه انسان‌ها می‌شود، انسانها به واسطه رحمت عمومی حیات می‌یابند، رزق دریافت می‌کنند و از دنیا و نعمات آن بهره‌مند می‌شوند.

۲- رحمت اختصاصی؛ که مؤمنان به واسطه گوهر ایمان، رحمت ویژه نیز دریافت می‌کنند و این رحمت گاه در نظر افراد دنیازده ناخوشایند و به مذاق دنیایی شیرین نیست، اما در کام مؤمن، شیرین می‌باشد. نام این رحمت خاص، بلا می‌باشد. کام مؤمن به واسطه گوهر ایمان طعم‌های الهی را دریافت می‌کند. جنس این طعم از جنس لذت‌ها و مزه‌های دنیایی نیست؛ از این رو مذاق خاصی را می‌طلبد. اگر در انسان این مذاق فعال نشده باشد نمی‌تواند از طعم خوش آن بهره‌مند شود.

لذت و خوشی طعم بلا تنها برای مؤمنان خاص قابل درک است، اما کسانی که از مرتبه ایمانی پایین‌تر برخوردارند بلا را چون دارو می‌پندارند، تحمل می‌کنند و اثر آن را در زندگی خود می‌یابند، ولی هر چه ایمان فراتر رود مذاق انسان، با ایمان رشد می‌یابد. مذاق ایمان آن‌چه را که خواست الهی است شیرین می‌یابد و آن‌چه نافرمانی خداست را ناگوار می‌داند. هرچه ایمان فراتر رود این مذاق قوی‌تر شده و تا آنجا پیش می‌رود که بلاهای دنیا را جز با طعم خوش آن درک نمی‌کند.

امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «**وَمَا أَحَبَّ اللَّهُ قَوْمًا إِلَّا ابْتَلَاهُمْ**»^۱ خدا دوست نمی‌دارد قومی را مگر آن‌که آنان را دچار بلا و آزمایش می‌کند.» و جهت آزمایش و بلا پذیری محبان خدا

۱. همان، ح ۳.

مجلس نهم: نقش بلا در زندگی مؤمن ■ ۱۰۳

را این گونه بیان می کند: چون آنان را دوست دارم بلا بر آنان نازل می کنم تا بدین سبب به پادشاه بزرگ الهی دست یابند،^۱ بلی، اگر نزول بلا نباشد، مؤمن به درجه اجر عظیم نائل نمی شود.^۲

در روایتی امام باقر علیه السلام از بلائی محبتی به بلائی خیر تعبیر می کند.^۳ در حقیقت، وجه محبتی بودن بلا آن است که ظاهر آن بلا و باطن آن نعمت است؛ بدین معنا که جلوه دنیایی آن بلاست، اما جلوه آخرتی آن نعمت های بهشتی است و معلوم است که آن چه جلوه بهشتی دارد نعمت بوده و خدا دوست دارد چنین نعمتی را به بندگان خاص خود برساند، بنابراین هنگامی که بلا بر بنده نازل می شود صدای او بلند می شود و خدا را می خواند، خدا می فرماید: من قادرم نعمات دنیایی را بر تو نازل کنم، اما من نعمت های آخرتی را در ازای این بلا برای تو ذخیره کرده ام و این برای تو خیر است.^۴

تناسب بلا با درجه محبت الهی

بلا امری دو سویه است. یک سوی آن مربوط به درجه ایمان فرد است و سوی دیگر آن مربوط به درجه محبت الهی نسبت به آن شخص است. بین این دو امر (ایمان فرد و محبت الهی) رابطه تنگاتنگ وجود دارد. هر چه بر ایمان افزوده شود، محبت الهی بیش تر شده و برگستره و شدت بلا افزوده می شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر خدا بنده ای را دوست دارد او را در بلا غوطه ور می کند. ما و شما شیعیان با بلا زندگی مان را سپری می کنیم.»^۵ از این روایت می توان استفاده کرد که بلا، جلوه، خاص محبت الهی است و گستردگی بلا بستگی به اندازه محبت الهی دارد.

بلا، هدیه الهی و جلوه کرامت خدا

هر چند بلا برای کافران و فاسقان نکبت است، اما بلا برای مؤمنان هدیه است. معلوم است که خدا هدیه خاص خود را به هر کسی نمی دهد. از این رو در روایتی می خوانیم که تنها بندگان

۱. همان.

۲. همان، ح ۸ و ۳.

۳. همان، ح ۷.

۴. همان.

۵. همان، ح ۶.

خالص خدا می‌توانند مشمول این هدیه الهی گردند. در حدیث معتبری امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: «إِنَّ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ مِنْ خَالِصِ عِبَادِهِ، مَا يُنْزَلُ مِنَ السَّمَاءِ تُحْفَةً إِلَى الْأَرْضِ إِلَّا صَرَفَهَا عَنْهُمْ إِلَى غَيْرِهِمْ، وَلَا بَلِيَّةَ إِلَّا صَرَفَهَا إِلَيْهِمْ؛^۱ خدا دارای بندگان خالصی است که هرگاه بخواهد تحفه و هدیه‌ای را نازل کند از آنها برداشته و بر دیگران می‌فرستد. و هر گاه بخواهد بلایی را نازل کند بر این بندگان خالصش نازل می‌گرداند.»

هدیه الهی با هدایای دنیوی بسیار متفاوت است. در برداشت عمومی، بلا نمی‌تواند هدیه نامیده شود، اما از منظر الهی، بلا بالاترین هدیه خدا است اما این هدیه ویژه، ظرفیت خاص می‌خواهد و تا فرد به مرحله ایمان خالص نرسد نمی‌تواند به این نوع هدیه دست پیدا کند.

این دست از هدایای الهی چنان دارای اهمیت است که امام باقر علیه السلام فرمود: «خدا با مؤمن پیمان ازلی بسته که او را از این هدیه و نصیب بهره‌مند سازد.»^۲

امام صادق علیه السلام وجه نزول بلا بر مؤمن را کرامت او می‌شمارد و می‌فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَكْرُمُ عَلَى اللَّهِ حَتَّىٰ لَوْ سَأَلَهُ الْجَنَّةَ بِمَا فِيهَا أَعْطَاهُ ذَلِكَ؛^۳ مؤمن دارای چنان کرامتی نزد خدا است که اگر بهشت را طلب کند خدا به او عطا می‌کند و کافر نزد خدا چنان پست است که اگر تمام دنیا را بخواهد به او می‌دهد.» اما کرامت مؤمن قابل مقایسه با نعمات زودگذر دنیایی نیست؛ از این رو خدا در دنیا برای مؤمن بلا می‌فرستد تا از نعمات جاودانه اخروی بهره‌مند شود.

بلا، یادآور خدا

بلا بر مؤمن پی‌درپی نازل شده و قطع نمی‌شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «اهل حق همیشه در شدت و بلا هستند.»^۴ امام علی علیه السلام نیز فرمود: «بلا مانند باران بر مؤمن می‌بارد.»^۵ در روایت صحیحی محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «الْمُؤْمِنُ لَا يَمُضِي عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ لَيْلَةً إِلَّا عَرَّضَ لَهُ أَمْرٌ يَحْزَنُهُ؛^۶ بر مؤمن چهل روز نمی‌گذرد مگر آن‌که امر ناراحت

۱. همان، ص ۲۷۷، ح ۵.

۲. همان، ص ۲۷۹، ح ۱۷.

۳. همان، ص ۲۰۸، ح ۲۸.

۴. همان، ح ۱۶.

۵. همان، ح ۲۹.

۶. همان، ح ۱۱.

مجلس نهم: نقش بلا در زندگی مؤمن ■ ۱۰۵

کننده‌ای بر او پیش می‌آید.» حداکثر زمانی که بین دو بلا ممکن است فاصله شود برای مؤمن، چهل روز است؛ پس اگر بیش از چهل روز گذشت و بلا بر شخصی نازل نشد علامت آن است که ایمان چنین فردی دچار مشکل است. ممکن است سؤال شود چرا بلا بر مؤمن پی‌درپی نازل می‌شود، مگر در بلا چه موهبتی است که نباید بیش‌تر از چهل روز طول بکشد و بلا نازل نشود؟ امام صادق علیه السلام جهت نزول متناوب بلا در زندگی مؤمن را این‌گونه ترسیم می‌کند: **يُذَكَّرُ بِهِ**^۱ خدا بلاهای پی‌درپی را می‌فرستد تا مؤمن همیشه به یاد خدا باشد. آری، این بلا است که مؤمن را به خدا متصل می‌کند و زندگی او رنگ خدایی می‌گیرد، **«صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً»**^۲ در حقیقت، نزول بلا به خاطر یادآوری خدا است. بنده‌ی با خدا، به ناچار باید با بلا باشد و بلا رنگ خدا به وجود او و زندگی او می‌دهد تا دمامد با خدا بماند و خدا را فراموش نکند.

بلا، پاک‌کننده جسم

اصحاب گرد پیامبر جمع می‌شدند تا کلام او را بشنوند. پیامبر صلی الله علیه و آله به اصحابش فرمود: **«مَلْعُونٌ كُلُّ مَالٍ لَا يُزَكَّى، مَلْعُونٌ كُلُّ جَسَدٍ لَا يُزَكَّى وَ لَوْ فِي أَرْبَعِينَ يَوْمًا مَرَّةً؛** هر مالی که تزکیه نشود مورد لعنت است - و از رحمت خدا دور است - هر بدنی که هر چهل روز یک بار تزکیه نشود مورد لعنت است. اصحاب گفتند: زکات مال را می‌شناسیم اما زکات بدن چیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: **«أَنْ تُصَابَ بِأَفَةٍ؛**^۳ بدن بلا و صدمه ببیند.»

اصحاب که انتظار چنین پاسخی را نداشتند تعجب کردند و رنگ صورت‌شان تغییر کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مرادم آن است که جایی از بدنش پاره شود، ضربه ببیند، مریض شود، خار به پایش رود.»^۴

این روایت پاسخ به این پرسش است که چرا مؤمن دچار بلا می‌شود. پیامبر به روشنی بیان کرد که همان‌طور که خدا از مال مؤمن بهره‌دارد و مؤمن باید وجوهات شرعی و زکات مالش را

۱. همان.

۲. بقره، آیه ۱۳۸.

۳. همان، ح ۲۶.

۴. همان.

بدهد، خداوند از جسم مؤمن نیز باید بهره‌مند شود، بهره‌مندی خدا از بدن مؤمن، آفت جسد اوست. چنین آفت و بلایی، هم جسم مؤمن را پاک می‌کند و هم روحش را، و با وجود این‌گونه بلا (بلای مجتبی) از بلاهای بدتر (بلای غضبی) در امان می‌ماند. گویا این‌گونه بلا مانند واکنش عمل می‌کند و بدن را نسبت به بلای جان‌گیر نجات می‌دهد و شاید این بیان، یکی از معانی این جمله از روایت باشد که فرمود: بلا، زکات بدن است. پس این‌گونه بلا، مؤمن را از دو دسته بلای بدتر حفظ می‌کند: بلاهای دنیایی بدتر که حتی ممکن است جان او به خطر افتد، و بلای اخروی و جهنم.

بلا، پاداش عظیم

یکی از حکمت‌های نزول بلا آن است که مؤمن به پاداش عظیم دست یابد. پاداش‌های دنیوی با عمل و فعالیت‌های دنیوی به دست می‌آید، اما پاداش عظیم الهی در دنیا و آخرت نیاز به کوششی فراتر از رسیدن به دنیا دارد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ عَظِيمَ الْأَجْرِ لَمَعَ عَظِيمِ الْبَلَاءِ»^۱ راه رسیدن به پاداش بزرگ، نزول بلا بر مؤمن است. خدا برای آن که به مؤمن پاداش بزرگ عنایت کند، بر او بلا نازل می‌گرداند. این بلا ناشی از دوستی خدا به بنده‌اش است زیرا می‌خواهد به او اجر عظیم عنایت کند. تفاوت مؤمن و کافر در مواجهه با بلاست. مؤمن بلاپذیر است و بلا را می‌پسندد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فَإِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا ابْتَلَاهُ بِعَظِيمِ الْبَلَاءِ فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ الرِّضَا، وَمَنْ سَخَطَ الْبَلَاءَ، فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ السَّخَطُ»^۲ هرگاه خدا بنده‌ای را دوست بدارد او را به بلای بزرگ مبتلا می‌سازد اگر راضی شود به رضای الهی دست می‌یابد، و اگر از نزول بلا خشمگین شود دچار غضب الهی می‌شود.

اجر عظیم مؤمن در بهشت آشکار می‌شود زیرا به واسطه بلا به جایگاه بلندی دست می‌یابد که دیگران بدان نمی‌رسند امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَنْرَلَةً لَا يَبْلُغُهَا عَبْدٌ إِلَّا بِالْإِبْتِلَاءِ فِي جَسَدِهِ»^۳

۱. همان، ح ۳.

۲. همان، ح ۸.

۳. همان، ح ۱۴؛ ر.ک؛ ح ۲۳.

کوران بلاگریز و مؤمنان ستایش گر

آنان که از بلا گریزانند بدان جهت است که نمی‌توانند واقعیات و غیب را ببینند. ابن ابی‌یعفور از درد و بلاهای خود شکایت کرد، امام صادق علیه السلام فرمود: «لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا لَهُ مِنَ الْأَجْرِ فِي الْمَصَائِبِ لَتَمَنَّى أَنَّهُ قُرْصٌ بِالْمَقَارِيضِ»^۱ اگر مؤمن می‌دانست پاداش بلاهای دنیا چیست از خدا تمنا می‌کرد با قیچی بدنش را پاره کنند.» آری، کوران حقیقت‌گریز، از بلا گریزانند، اما بینایان حقیقت‌بین دنبال بلا می‌گردند تا از این رهگذر به خدا برسند.

این روایت پاسخ سؤالی است که گاه‌گاه به ذهن می‌رسد که چگونه پیامبران بلاهای بزرگ را تحمل می‌کردند. آنان با دید حقیقت‌بین خود، پاداش صبر بر بلا را می‌دانستند. این معرفت، زمینه پذیرش بلاهای عظیم را در آنان ایجاد می‌کرد.

برخورد شایسته مؤمن با بلا، پذیرش بلا با دل و جان و سپس ستایش خدا است. پسر زراره می‌گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم فرمود: «إِنَّهُ لَيَبْتَلِيهِ بِالْبَلَاءِ ثُمَّ يَنْزِعُ نَفْسَهُ عَضْوًا عَضْوًا مِنْ جَسَدِهِ وَهُوَ يَحْمَدُ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ»^۲ خدا مؤمن را به بلا مبتلا می‌کند و یک یک اعضای او با بلا از بدنش جدا می‌شود. اما مؤمن، ثناخوان خدا است و به حمد الهی می‌پردازد.

تفاوت نگاه مؤمن با افراد معمولی به بلا در این است که مؤمن بلا را موهبت خدا می‌بیند و با نزول بلا به ستایش الهی می‌پردازد. اما غیر مؤمنان بلا را ناگوار می‌پندارند؛ از این‌رو با نزول بلا، شکیبایی خود را از دست داده و با ادامه آن به خدا نق می‌زنند و اگر کمی شدت یابد یا از دنیا بیزار شده و اختلال روان پیدا می‌کنند، یا به خدا بدگمان شده و تدبیر الهی در زندگی خود را بر نمی‌تابند.

راوی از امام صادق علیه السلام می‌پرسد که چرا بلا دامن‌گیر حضرت ایوب شد؟ امام علیه السلام می‌فرماید: «بلا به خاطر شکر نعمت بود نه به خاطر کفران نعمت؛ زیرا شیطان به خدا عرض کرد اگر ایوب را شاکر می‌بینی به خاطر نعمت‌های فراوانی است که به او داده‌ای و اگر این نعمت‌ها از او گرفته شود او دیگر بنده شاکر نخواهد بود. خدا به خاطر آن‌که الگوی بلاپذیر شاکر و صابر در نعمت و رنج را معرفی کند به شیطان اجازه داد بر دنیای او مسلط شود. شیطان ابتدا از خدا خواست اموال و فرزندان او از بین بروند و سپس بر بدن او مسلط شد و ایوب به بیماری سختی مبتلا شد. اما در این میان بر شکر ایوب افزوده شد.»^۳

۱. همان، ح ۱۵.

۲. همان، ح ۱۳.

۳. مکارم شیرازی، ناصر، قصه‌های قرآن، ص ۳۹۱-۳۹۵.